

در باب رؤیاها

زیگموند فروید

ترجمه‌ی سلمان جلالی

www.ketab.ir



کتابستان
برق

سرشناسه: زیگموند، فروید، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹م. Freud, Sigmund

عنوان و نام پدیدآور: در باب رؤیاها/زیگموند فروید؛ ترجمه‌ی سلمان جلالی؛ ویراستار فروغ ادریسی. مشخصات نشر: تهران کتابستان برخط ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۱۵۷ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۹۷۰-۶-۰

وضعیت فهرست نویسی فیبا: یادداشت: کتاب حاضر ترجمه جلد پنجم از کتاب "The standard

The interpretation of dreams (second part)" با عنوان "edition of the complete psychological works of Sigmund Freud

and on dreams" است.

موضوع: خوابگزاری / Dream interpretation / روانکاوی / Psychoanalysis / شناسه افزود: جلالی،

سلمان، ۱۳۶۷- مترجم.

رده بندی کنگره: ۱۵۹۸BF رده بندی دیویی: ۳/۱۳۵ شماره کتاب شناسی ملی: ۹۴۸۸۱۴۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

. تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.

کتابستان برخط: ناشر تخصصی روان کاوی، جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی



خوانندگی‌ها کم نیست، با برخط بخوانید...

در باب رؤیاها

نویسنده: زیگموند فروید

مترجم: سلمان جلالی

ویراستار و دبیر مجموعه: فروغ ادریسی

مدیر هنری: انیش امین الهی

طرح جلد اثری از: Salvador Dali

گرافیک: محسن زینالی

چاپ گیلان

چاپ اول: ۱۴۰۲، ۲۵۰ نسخه

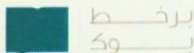
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۹۷۰-۶-۰

قیمت: ۱۵,۰۰۰ تومان

انتشارات کتابستان برخط

BARKHATBOOK.COM

تهران، خیابان مطهری، میرزای شیرازی شمالی، کوچه عرفان، پ ۹ واحد ۶
دفتر نشر: ۰۲۱۸۸۵۵۱۳۰۵



BARKHATBOOK.COM



@Barkhatbook

فهرست

۷.....	یادداشت مترجم.....
۱۳.....	I.....
۱۹.....	II.....
۳۱.....	III.....
۳۹.....	IV.....
۴۷.....	V.....
۵۵.....	VI.....
۶۵.....	VII.....
۷۳.....	VIII.....
۷۹.....	IX.....
۸۳.....	X.....
۸۷.....	XI.....
۹۳.....	XII.....
۹۹.....	XIII.....
۱۰۱.....	فهرست اصطلاحات این کتاب.....

یادداشت مترجم

جهان تاریخی انسان همواره زمان‌هایی را در پس نهاده است که در آن‌ها انگار نقطه‌ای گم‌شده می‌شود. «نقطه‌ی دوختی» که درعین حال می‌شکافد. نقطه‌ی دوخت است که منجر به ساخت ساحتی دگرا از جهان نمادین می‌شود و می‌شکافد، چون باعث شکاف در ساحت نمادین پیش از خود می‌شود. شاید بتوان پایان قرن نوزدهم و شروع قرن بیستم را یکی از این نقاط دانست. نقطه‌ای که در آن با تحقیق و کار بر روی موضوع رؤیا روان‌کاوی متولد شد.

دهه‌ی نود قرن نوزدهم هنگامی است که زیگموند فروید^۱ فرضیه‌ی ضمیر ناآگاه را به نظریه‌ای برای بسط و گسترش روشی با نام روان‌کاوی تبدیل کرد. زیگموند فرویدی که به عنوان عصب‌شناس کار حرفه‌ای خود را آغاز کرده بود و مدتی را نیز در جوار ژان مارتن شارکو^۲ در فرانسه، روش هیپنوتیزم و تأثیر آن بر روی علائم بیماری‌ای که به عنوان «هیستری» شناخته می‌شد را مشاهده کرده و فرا گرفته بود.

1. Sigmund Freud

2. Jean-Martin Charcot

فروید دریافت‌ه بود آن چه فرد در خواب مصنوعی و هیپنوتیزم به زبان می‌آورد، بسیار ایستا است؛ یعنی فرد خواب‌شده نمی‌تواند در آن دخل و تصرف داشته باشد و این برخلاف آن چیزی بود که فروید در تحقیقاتش دریافت‌ه بود؛ یعنی اصل پویایی دستگاه روان. همچنین آن مقاومتی که طبق نظریه‌ی روان‌کاوی ناشی از واپس‌زنی ایده‌ها و تصورات ضمیر ناآگاه است به طور کلی نادیده گرفته می‌شد و فرد خواب‌شده انگار که اصلاً با آن‌ها مواجه نشده است. فروید از سال ۱۸۸۵ که به ملاقات شارکو رفت به پژوهش و کار بالینی خواب مصنوعی پرداخت و از سال ۱۸۹۷ به بعد این روش را کنار گذاشت. وی بعدتر در چند نوشته‌ی خود دلایل کنارگذاشتن هیپنوتیزم را عنوان کرد. برای مثال در سال ۱۹۰۴ در مقاله‌ی «روش روان‌کاوانه‌ی فروید» نوشت: «به خواب مصنوعی می‌توان این ایراد را گرفت که مقاومت را پدید می‌آورد و پزشک را از درون‌بینی بازی‌های روانی بازمی‌دارد. مقاومت را از میان بر نمی‌دارد بلکه از رویارویی با آن طفره می‌رود و به این علت فقط اطلاعات ناقص و موفقیت‌های زودگذر از آن حاصل می‌شود.» یا در سال ۱۹۰۵ در مقاله‌ی درباره‌ی روان‌درمانی نوشت: «من فن تلقینی از جمله هیپنوتیزم را بسیار زود رها کردم، زیرا فاقد تأثیر و تداومی است که برای درمان لازم است و از این بابت ناامید شده بودم. در همه‌ی موردهای شدید می‌دیدم تلقینی که بر روان بیمار گذارده بودم فرو می‌ریخت و سپس بیماری یا آن چه جانشین بیماری شده بود باز پدیدار می‌شد. به علاوه این تکنیک از نظر من این ایراد را دارد که نقشی را که نیروهای روانی ایفا می‌کنند از دید ما پنهان نگاه می‌دارد. مثلاً نمی‌گذارد مقاومت را تشخیص دهیم، مقاومتی که بیماران آن را رها نمی‌کنند و با توسل به آن از بهبودی امتناع می‌ورزند، اما تنها چیزی که به ما این امکان را می‌دهد تا رفتارشان را بفهمیم همین مقاومت است.» همچنین در همین مقاله بیان می‌دارد که «در حقیقت میان کار تلقینی و

کار تحلیلی، بزرگترین تقابل ممکن وجود دارد»، این بدان معناست که کار تلقینی «به منشأ، و شدت و معنای علائم اعتنایی ندارد»، بلکه روی آن‌ها سرپوش می‌گذارد؛ درحالی‌که کار تحلیلی چنین هدفی را به هیچ وجه دنبال نمی‌کند.

بنابراین کار تحلیل با ابداع روش «تداعی آزاد» در روان‌کاوی و گذر از روش‌های تلقینی، حضور خود را به عنوان یک نظریه‌ی عملی درباره‌ی ساحت روان انسان اعلام نمود. در این نقطه، فروید با تمرکز بر دستگاه روانی انسان و پژوهش در آثار ادبی و هنری و در ابتدای قرن بیستم با نوشتن کتاب «تعبیر رؤیا»، حضور روشی را اعلام کرد که قرار بود بنیان آگاهی پیشین را دگرگون سازد. شاید بیراه نباشد بگویم اگر مطالعه و تحقیق و بعدکار بالینی بر روی رؤیا نبود، روان‌کاوی ای هم نبود که بخواهد آن دگرگونی عظیم را رقم زند. حتی فروید خودش در «روش روان‌کاوانه‌ی فرویدی» (که از زبان سوم شخص است) درباره‌ی تولد تکنیک روان‌کاوی از طریق کار بر روی رؤیاها بیان می‌کند: «کتاب جامعی که فروید درباره‌ی تعبیر رؤیا در سال ۱۹۰۰ منتشر کرد را باید زمینه‌ساز آموزش این تکنیک دانست».^۱

اکنون با گذشت بیش از ۱۲۰ سال از تولد روان‌کاوی و با بررسی پراتیک آن می‌توانیم توجه به عالم رؤیا را با ارتقای سوژه‌ی سخن‌گو از یک موجود صرفاً بیمار که نیاز به زدودن علائم بیماری‌اش دارد به جایگاه روان‌کاوی شونده، یعنی منبع دانش ضمیر ناآگاه برای تحلیل، به عنوان نقش کلیدی گذر از تلقین به تحلیل بدانیم. درباره‌ی اهمیت رؤیاها در روان انسان و به تبع کار تحلیلی بر روی آن، همین بس که رؤیا، این عالم منحصر به فرد موجود سخن‌گو، از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و پزشکان و

۱. منبع دو مقاله‌ی مذکور: فروید، زیگموند (۱۳۹۷). پنج نوشتار، مترجم: محمد مبشری، چاپ اول، انتشارات نیلوفر.

البته هرکس که رؤیا می بیند بوده است؛ اما آن چه روان کاوی را به نقطه‌ی دوخت و شکاف نگاه به رؤیا و تبیین آن تبدیل می کند این است که نظریه‌ی تعبیر رؤیا در روان کاوی نه فقط از پژوهش و غور و تفکر در آن، بلکه از مطالعه‌ی روان سوژه‌ی سخن گو برخاسته است. به دلیل همین اهمیت بنیادین نیز فروید به عنوان بنیان گذار روان کاوی، علاوه بر اثر شگرف خود یعنی «تعبیر رؤیا»، آثار دیگری در این زمینه منتشر ساخت. آثاری که مستقیماً از کار عملی با انسان‌ها در فرایند روان کاوی حاصل شده است. او ۱۱ درس گفتار اختصاصی در زمینه‌ی رؤیاها را در سال ۱۹۱۶ برگزار کرد.^۱ همچنین تا آخر عمر خود مقالات زیادی را در این باره تألیف کرد و در بسیاری از آن‌ها به بازنگری در نظریه‌ی خود پرداخت.

«درباب رؤیاها»^۲ نیز بلافاصله پس از انتشار «تعبیر رؤیا» در سال ۱۹۰۱ نگاشته شد و می توان آن را دوبردارنده‌ی کلیاتی فشرده از کتاب سال ۱۹۰۰ دانست. هرچند که طبق نظریه‌ی روان کاوی در عمل دانستن نظریه هیچ‌گاه نمی تواند جای فرایند روان کاوی فردی را بگیرد و هرکس که مشتاق تحلیل ضمیر ناآگاه و رؤیاهای خود است می بایست که در فضای دشوار و طولانی بر تخت روان کاوی به آن نائل آید، اما می توان مطالعه‌ی «درباب رؤیاها» که چکیده‌ای غنی از نظریه‌ی تعبیر رؤیاست را برای علاقه‌مندان به تحقیق درباره‌ی رؤیا و روان کاوی مفید دانست. چراکه این نوشتار به نوعی فرهنگ‌نامه‌ی فشرده‌ای از ادبیات رؤیاست که می تواند ما را در پژوهش بر آثار بسیار فروید درباره‌ی رؤیاها یاری دهد.

^۱ می توانید به بخش دوم از «درسگفتارهای مقدماتی درباب روان کاوی» (۱۹۱۶-۱۷) از فروید نگاه کنید.

^۲ لازم به ذکر است که عنوان این نوشتار در زبان آلمانی «درباب رؤیا» (Über den Traum) است و شکل جمع در ترجمه‌ی انگلیسی به کار گرفته شده است. از آن جایی که مبنای اولیه‌ی ترجمه نسخه‌ی انگلیسی بود، همین شکل جمع برای عنوان ترجمه‌ی فارسی نیز ثبت گردید.

نکاتی درباره‌ی ترجمه‌ی «درباب رؤیاها»:

متن اولیه برای ترجمه، نسخه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی^۱ است که سپس با مراجعه به متن اصلی، یعنی زبان آلمانی، اصطلاحات تخصصی روان‌کاوی را ترجمه کردم؛ یعنی مستقیماً از زبان آلمانی برگردان شدند و به همین دلیل برخی اصطلاحات هستند که در پاورقی‌ها فقط کلمه‌ی آلمانی‌شان ذکر شده است؛ این امر نشان‌دهنده‌ی نارسا بودن ترجمه‌ی انگلیسی آن‌ها است و از آوردن اصطلاح ترجمه‌شده در زبان انگلیسی خودداری کرده‌ام. این موضوع در مورد «فهرست اصطلاحات این کتاب» که به سه زبان در پایان کتاب آورده‌ام نیز صادق است. پاورقی‌ها به غیر از برگردان اصطلاحات و کلمات شامل توضیحاتی نیز می‌شوند. این توضیحات یا توسط نویسنده نگاشته شده‌اند، که در این موارد پس از پایان جمله فقط نقطه گذاشته شده است، و یا توسط مترجمان اضافه شده‌اند. در صورتی که توضیحات از مترجم انگلیسی باشد مطلب به پاورقی در [] قرار دارد، و اگر از من به عنوان مترجم فارسی باشد، پس از پایان آن (م) آمده است. همچنین در آن قسمت‌های معدودی که در متن اصلی توضیحاتی را اضافه کرده‌ام، آن مطلب داخل [] گذاشته شده است.

در پایان شایسته است از کسانی تقدیر کنم که اگر یاری آن‌ها نبود این ترجمه به انجام نمی‌رسید:

از دکتر حسین مجتهدی بابت راهنمایی درباره‌ی برگردان تخصصی اصطلاحات از زبان آلمانی به فارسی و نظرات ارزشمند ایشان قدردانی می‌نمایم. از دقت نظر و تلاش‌های فروغ ادریسی نیز که زحمت ویراستاری و تطبیق متن ترجمه‌شده با متن انگلیسی را پذیرفت بسیار سپاس‌گزارم.

۱. نگاه کنید به: جلد پنجم از ویرایش استاندارد مجموعه آثار زیگموند فروید.

همچنین از ساره بامداد و سولماز بادکوبه‌ای تشکر می‌کنم که روخوانی اولیه‌ی ترجمه را انجام دادند و نکات نگارشی ارزشمندی را بیان داشتند.

سلمان جلالی

پاییز ۱۴۰۲ - تهران

www.ketab.ir